



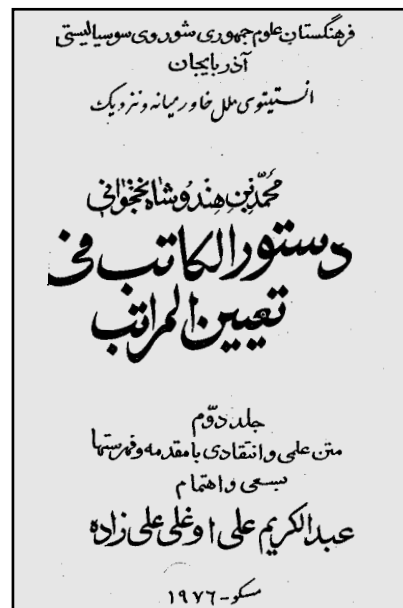
دو معرفی از یک کتاب

۱

دستورالکاتب فی تعیین المراتب

اثر محمد بن هندوشاه نجخوانی

۱۰ احمد فروغ بخش فسانی



عناوین و القاب به کار برده شده در هریک از نامه‌ها شرح وظایف و انتظارات شغلی افراد را بیان می‌کند. لذا جهت روشن ساختن سازمان اداری و حکومتی دوره ایلخانی - که البته غالب نامه‌ها و فرمان‌های مندرج در دستورالکاتب مربوط به این دوره است - می‌توانیم تصویر روشنی از تشکیلات حکومتی در قرون هفتم و هشتم هجری بدست آوریم. علاوه بر این از متون به کار رفته در مکاتبات می‌توان به اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه عصر مؤلف دست یافت.

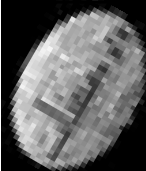
کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب مشتمل است بر «یک مقدمه، دو قسم و خاتمه»، در مقدمه کتاب مؤلف، «کیفیت کتاب» و نکات ظریفی را که یک منشی باید در «دو قسم» کتاب رعایت کند بر می‌شمارد.^۱ در قسمتی دیگر از مقدمه موضوع «علم انشاء» و «مقام کاتب» را شرح می‌دهد. در این بخش جهت نشان دادن مقام کاتب به داستان‌ها و روایاتی اشاره دارد که مربوط به دوره ساسانیان و صدر اسلام است.^۲ در قسمت‌های دیگر مقدمه، سایر شرایط منشی را مثل دقت در نگارش و آلات و ادوات کتابت آورده است.^۳ همچنین حکایاتی از کتاب که در خدمت حکومت‌های دوران مختلف مانند بنی عباس، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان بودند و از خود لیاقت نشان داده یا اشتباهات فاحش مرتکب شده‌اند آورده شده است.^۴

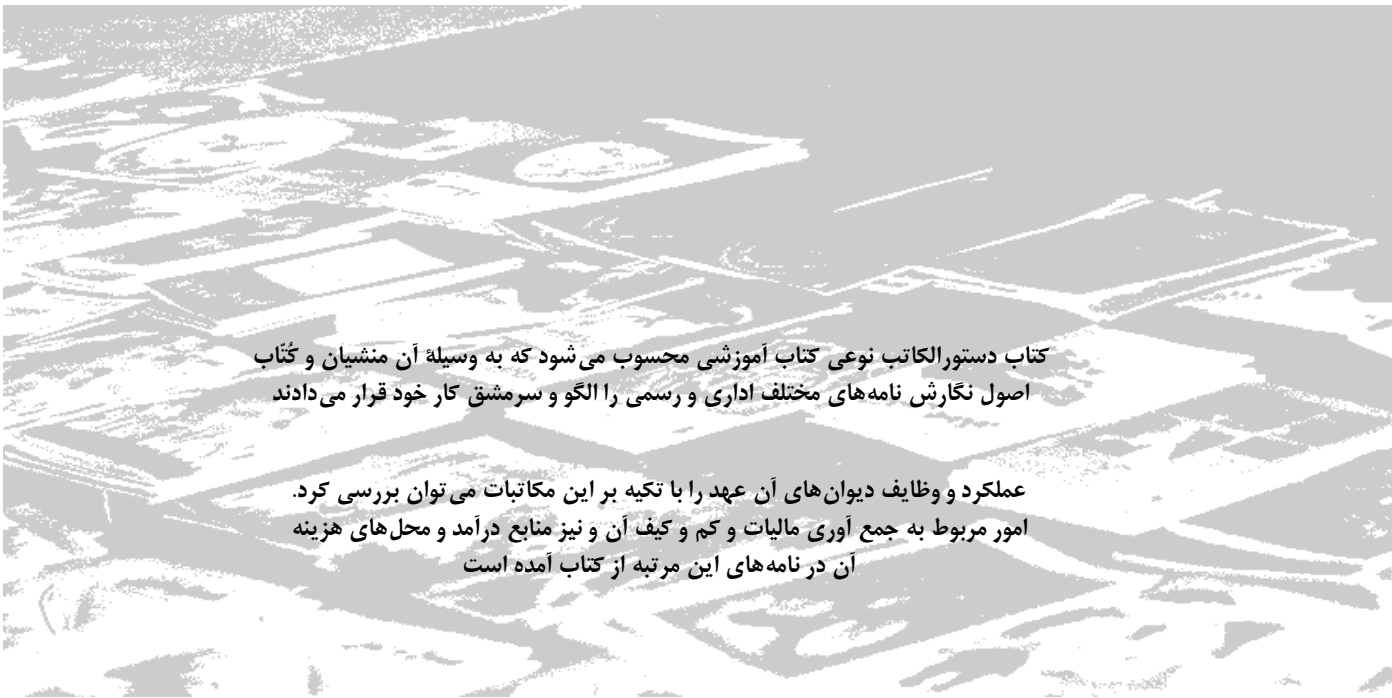
با پایان گرفتن مقدمه «قسم اول» کتاب آغاز می‌شود. قسم اول مربوط به نمونه‌هایی از مکاتبات است که منشیان باید برای نوشتن نامه‌ها سرمشق کار خود قرار دهند. قسم اول مشتمل بر چهار «مرتب» است. مرتبه اول «در مکاتبات سلاطین و خواتین و اولاد ایشان و القاب و ادعیه که به یکدیگر

از جمله کتبی که در این زمینه نوشته شده و کمتر به آن توجه شده است کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب اثر محمد نجخوانی، فرزند هندوشاه بن سنجر عبدالله صاحبی نجخوانی صاحب کتاب بارزش تجارب السلف، است.^۱ محمد بن هندوشاه از جمله رجال معروف دیوان انشاء در اواخر دوره ایلخانی و اوایل دوره جلایری بوده است.^۲ فرمان تالیف کتاب را خواجه غیاث الدین محمد رشیدی وزیر سلطان ابوسعید (۷۱۶ - ۷۳۶ ه. ق) به مؤلف داد. اما آنچنان که خود می‌گوید: «به واسطه کثرت اشتغال و تعاقب موانع میسر نشد»^۳ و سرانجام کتاب در عهد سلطان اویس جلایری (۷۵۷ - ۷۷۷ ه. ق) نوشته و به سلطان عرضه می‌شود.^۴ مناصبی که محمد بن هندوشاه در دولت ایلخانان و جلایریان داشته باعث شده است تا کتاب وی از غنای زیادی برخوردار شود. کتاب دستورالکاتب نوعی کتاب آموزشی محسوب می‌شود که بوسیله آن منشیان و کتاب اصول نگارش نامه‌های مختلف اداری و رسمی را الگو و سرمشق کار خود قرار می‌دادند. مطالب مندرج در نامه‌ها آنها را از جهت اطلاعات تاریخی برای مورخ با اهمیت می‌کند. مؤلف در ابتدای کتاب وظایف یک «کاتب» و «صاحب انشاء» را در نوشتن یک نامه رسمی بیان می‌کند و این که در هنگام نگارش نامه، کاتب باید «مرتبه هر فرد از افراد ملوک و سلاطین و امرا و وزراء و اکابر و اصاغر و اعیان و معارف قادر شوند بود و القاب و دعا و خطاب‌ی که ملایم حال و فراخور قدر و وضع ایشان باشد تقریر و تحریر تواند کرد»^۵ این معنی خود نشانگر آن است که می‌توانیم از سبک و کاربرد عناوین و القاب به ویژگی‌های هریک از مناصب و مشاغل این دوره پی ببریم. از آنجا که عبارات،

- دستورالکاتب فی تعیین المراتب
- تألیف: محمد بن هندوشاه نجخوانی
- به سعی و اهتمام و تصحیح: عبد الکریم علی اوغلی علی زاده
- ناشر: اداره انتشارات دانش، مسکو، مه ۱۹۷۱.
- آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی ملی آسیا

منشآت، مکاتب اداری و فرمان‌ها، از جمله منابع مهم و موثق هر دوره تاریخی محسوب می‌شود. در لابلای فرمان‌ها و نامه‌ها می‌توان به نکات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، اقشار و طبقات، مناصب و مشاغل، و به طور کلی ساختار اداری یک حکومت یا دوره مشخص تاریخی پی برد.





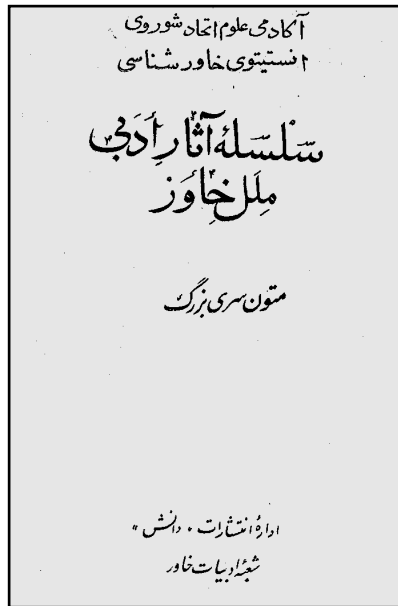
کتاب دستورالکاتب نوعی کتاب آموزشی محسوب می‌شود که به وسیله آن منشیان و کاتبان اصول نگارش نامه‌های مختلف اداری و رسمی را الگو و سرمشق کار خود قرار می‌دادند

عملکرد و وظایف دیوان‌های آن عهد را با تکیه بر این مکاتبات می‌توان بررسی کرد. امور مربوط به جمع آوری مالیات و کم و کیف آن و نیز منابع درآمد و محل‌های هزینه آن در نامه‌های این مرتبه از کتاب آمده است

وزراء، خواتین، اولاد ایشان، نقیب النقباء سادات و مشایخ و مریدان، قاضی القضاة و اتباع ایشان، نواب دیوان سلطنت، دیوان وزارت، امرا اولکا، تومانات، ایناقان و مقربان و انابکان، وکیل حضرت سلطنت و اصحاب دیوان بزرگ که عبارتند از: الغ بیتکچی، مستوفی، مشرف ناظر، حکم، حافظ مال، منشی و حکام اوقاف ممالک، حجاب، ملوک ولایات، رسولان اطراف، امیر شکار، امیر مجلس و القاب و ادعیه آنان، می‌شود. مرتبه دوم خود شامل دو «ضرب» است. در ضرب اول القاب و ادعیه مراتب و مناصب که یاد شد در بیست و شش فصل و هر فصل چند صورت و هر صورت به انواع مختلفی تقسیم شده و مکاتبات را در شکل‌های مختلف بیان می‌کند.^{۱۸}

ضرب دوم شامل «احوالی کی امرا و وزراء و سادات و مشایخ و قضاة و طوایفی که در فهرست مرتبه دوم مجملاً و در ضرب اول از این مرتبه مفصلاً مذکورند به یکدیگر نویسنده». این ضرب به دو شانزده فصل تقسیم می‌شود و هر فصل به دو صورت یکی نامه و دیگری جواب نامه خواهد بود که البته هریک نیز به «نوعی» نوشته شده است. مکتوب‌های این مرتبه از کتاب مملو از اطلاعات درباره مناصب و مشاغل مهمی است که در عصر مغول در ایران رایج بوده است:

البته مناصبی نیز عنوان شده که در دوران قبل از مغول وجود داشته، اما بامقایسه صفات و القابی که در این مکاتبات برای افراد به کار برده شده می‌توان به تحولی که در سازمان اداری این دوره از تاریخ ایران ایجاد شده است پی برد. مرتبه سوم کتاب مکاتباتی است که با «شراف الناس» و «اوساط الناس» انجام می‌گرفته. این طبقه از مردم عبارت بودند از: علما، حکما، مدرسان، مفتیان، محدثان،



نویسند و احوالی که بعد از القاب ذکر کنند. این «مرتبه» خود شامل دو «ضرب» و بیست «فصل» و چهل و چهار «صورت» و صد و هشتاد و پنج «نوع» می‌شود. در ضرب اول القاب و دعاهایی که به سلطان و خواتین و فرزندان آنها نوشته می‌شود^{۱۹} و ضرب دوم «احوالی که بعد از القاب و دعا به سلاطین نویسنده». این احوال شامل، «تهنیت جلوس»،^{۲۰} نصیحتی که ملوک به یکدیگر کنند،^{۲۱} در منع ظلم و تعدی،^{۲۲} در اجرای وقف و بشروط واقفان،^{۲۳} در تعیین منهبان و جاسوسان،^{۲۴} و چندین موضوع دیگر، آمده است. در این «مرتبه» مؤلف سعی کرده تا از روش کتبی مثل سیاست نامه نظام الملک متابعت نماید و در ضمن دادن الگویی برای نگارش نامه‌ها، داستان‌هایی را از ملوک و پادشاهان گذشته آورد و نصایحی را که در ابتدای نامه آورده با این داستان‌ها و وقایع مستند سازد. در مقایسه با مرتبه‌های بعدی کتاب، این «مرتبه» اهمیت کمتری پیدا می‌کند. نمونه‌ای از مکاتبات «مرتبه اول» کتاب چنین است:

«در اجابت رعایت قدما و ملازمان سلاطین سابق از کتّاب نامدار و بهادران کارزار و اجراء واجبات و امضاء وجوه معایش ایشان: بعد از استرشاد از موارد ارشاد سلطانی و اغتراف از مشارب نصایح بی‌غرض خاقانی بشرف آنها می‌پیوندد که اشارتی کی در باب رعایت قدما و پیرانی کی ملازمان سلاطین ماضی بوده‌اند و بر رسوم سلطنت و آداب مملکت واقف و بداندستن مهمات خبیر و از کثرت تجارب محنک فرموده بسمع اعتقاد اصغا نمود و از آن جماعت کسانی را کی قوت و قدرت ملازمت دیوان و تمشیت مهمات مملکت و قیادت عساکر منصوره بود برقرار بدان وظایف مشغول گردانید و خیر و شر و

نفع و ضرر آن را باهتمام ایشان حوالت کرد و جمعی را که قوت ملازمت نبود و از اشتغال بطاعت و عبودیت حق تعالی پروای مهمات دیوانی نداشتند از مباشرت اشغال معاف گردانیده شد و هریک را وجهی جهت مدد معیشت باقرار و مرسوم معین گشت و شروع در مهمات مملکت و قضایاء سلطنت و ارکاب عساکر و دفع مخالفان موقوف بر استصواب و استشارات ایشان داشته آمد و عدول از صوایب آرا و ثواقب افکار ایشان به هیچ حال ممکن نیست و امیدست کی بمیمان ارشاد حضرت سلطنت پناه امور ملک و ملت بر احسن وجوه انتظام یابد و قواعد دین و دولت بر اوکد اوضاع استحکام پذیرد ان شاءالله تعالی جهان به کام باد.»^{۲۵}

مرتبه دوم کتاب شامل: مکاتبات امراء الوس،



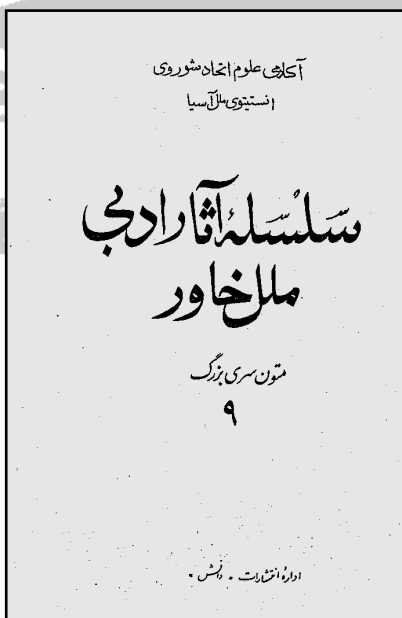
در «قسم دوم که بخش پایانی و مهم کتاب محسوب می شود» تقریباً تمامی سازمان اداری و تشکیلات حکومتی و اجتماعی جامعه ایران عصر مغول به شکلی دیده می شود

معیدان، ائمه و خطبا و وعاظ، اطباء، فقهاء، حفاظ، صلحا و ارباب فتوت، منقطعان و گوشه نشینان، مختسبان، منجمان و شعراء، مقدمان طوایف، کوتوالان قلاع، مهندسان و معماران و تجار. «این مرتبه مشتمل است بر دو صنف و مضمونات که بعد از القاب و خطاب در مکاتبات بدین دو صنف نویسند. صنف اول در القاب و مکاتبات اشراف الناس» که شامل سی و هشت فصل و صد و شانزده نوع می شود.^{۲۰} صنف دوم خطاب به اوساط الناس است که در دوازده فصل آمده.^{۲۱} در این مرتبه از کتاب طبقات اجتماعی جامعه در عصر مغول به وضوح دیده می شود. القاب و عناوین به کار برده شده در مکاتبات و دستورات صادر شده به زیردستان بافت جامعه و اصناف مختلف را ترسیم می کند. در این میان از لابلای نامه ها می توان به وضعیت کشاورزی، امور تولید، مالیات و به طور کلی اوضاع اقتصادی این دوره، پی برد.

در بخشی از یکی از نامه ها آمده است: «ملک الروسا مقدم النواحی مفخر الصدور و الاعیان شرف الدین معلوم داند کی تا غایت که مجموع غلات به حصاد رسید و اکثر زارعان ارتفاعات به انبارها بردند و او به هیچ حال از ارتفاعات خاصه یک من غله نفرستاده می باید کی چون واقف گردد آن مقدار کی جهت تخم باییزی به کار باید نگاه دارد و باقی محصولات را از گندم و جو و گاورس و دیگر حبوبات که زرع کرده تمامت را نقل اینجانب کند و گاه را نیکو محفوظ دارد تا متعاقب شتران فرستاده نقل کرده شود به هیچ حال اهمال ننماید.»^{۲۲}

«مرتبه چهارم» شامل مکاتباتی است که بین سلاطین، امراء، وزراء، خوانین، ملوک ولایات، علما و مشایخ و نیز عرض حال رعایا به سلاطین در موضوعات مختلف و پاسخ هایی که داده شده و نیز دستوراتی که به امراء و وزراء و بزرگان کشور از سوی سلطان داده می شود. این مرتبه شامل بیست فصل و هر فصلی بر دو صورت؛ مکتوب و جواب آن است که بر چند «نوع» نوشته شده است.^{۲۳} در مرتبه چهارم توجه به دیوانسالاری و جزئیات مربوط به آنها شده است. در مکتوبی که از سوی سلطان به وزیر نوشته شده است آمده:

«صاحب اعظم خواجه شمس الدین می باید کی



به جد تمام به ضبط مهمات خزانه و تدبیر اموال دیوان و ترتیب عساکر منصوره اشتغال نماید و چنان سازد که چون به وجوه خزانه و حضور لشکریان احتیاج افتد مجموع مدبر و مرتب باشد تا به سیور غامیشی مخصوص گردد.»^{۲۴}

عملکرد و وظایف دیوان های آن عهد را با تکیه بر این مکاتبات می توان بررسی کرد. امور مربوط به جمع آوری مالیات و کم و کیف آن و نیز منابع درآمد و محل های هزینه آن در نامه های این مرتبه از کتاب آمده است. در یکی از نامه ها چنین نوشته شده است:

«صاحب معظم ملک الاکابر خواجه تاج الدین معلوم داند کی جهت تنقیح معاملات و افراف محاسبات بلوک او واجب سال گذشته به حضور او احتیاج است می باید کی هر تمسک که داشته از پروانجات و بروات و احکام و غیر آن تمامت را استصحاب نموده اینجا آید و وجهی نیز که به تحصیل او و نوکران او مقرر شده با خود آرد چه ساعه فساعه انتظار می رود.»^{۲۵}

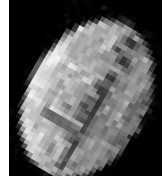
جزئیات اموری که بین کارکنان دیوان و صاحب دیوان در چهارچوب امور دیوانی رد و بدل می شد؛ می توان از بین نامه هایی که از سوی وزیر یا صاحب دیوان به اصحاب دیوان فرستاده می شد و پاسخ هایی که آنان به این مکتوب ها می دادند؛

بدست آورد. چگونگی پرداخت «ادارات» و مستمری های مشایخ و علما و دفاتر مربوطه، همگی از جمله مواردی است که به آن در این «مرتبه» اشاره شده است.^{۲۶}

در فصل هفدهم از مرتبه چهارم عرض حال هایی که رعایا به سلاطین می نوشتند و جواب هایی که به آنها داده شده آمده است. از درون این مکتوبات مشکلات و مصائب جامعه آن روز انعکاس پیدا می کند. این «عرضه داشت رعایا» بیشتر به دلیل فشارهای مالیاتی و سختگیری های حکام محلی است که آنان را مجبور به روی آوردن به سلطان می کند.

«بندگان کمینه اهالی نخجوان بعد از تقدیم وظایف دولتخواهی عرضه می دارد که در زمان ابرام ارباب حوالات با متصرف جواب می گفتند و او بحوالات دیوان بزرگ می رسانید و بیرون آن بزواید و عوارض و تکالیف و اخراجات با هیچ آفریده خطابی نمی رفت لاجرم شهر و ولایت معمور بود و اهالی و ساکنان مرفه خاطر و مستظهر و امداد جمعیت روزبروز بل ساعت بساعت متعاقب و متواتر چند سالست تا حکومت و متصرفی آن را بظلمتی متعدی که خون و مال بندگان خدای تعالی را بر خود مباح می داند و در عوض یک دینار متوجه علی الاقل بیست دینار از رعایا می ستاند که حوالت کرده اند و جمعی نیز از کدخدایان فضول متعدی با او موافق و متفق شده این نوع بی راهی را راه باز داده اند و آن متعدی بمدد و معاونت ایشان هر چه می خواهد می کند و خرابی شهر به جایی رسید کی پنج دانگ خراب شد و قاعاً ضعفا گشت و ملاک آن خان های خراب در اطراف ممالک سرگردان و بی خان و مان می گردند و رعایا نیز جلاء وطن کردند.»^{۲۷}

در فصل نوزدهم مطلب حائز اهمیتی از لحاظ واگذاری مناصب آمده است. در این فصل یک نمونه از قراردادهایی که بین پذیرنده یک منصب و سلطان بسته شده آمده است. در این «شرط نامه» پذیرنده منصب متعهد می شود که «مهمی کی بدو مفوض باشد» (مصالح کرکیراق خاص) را براساس موادی که در شرط نامه نوشته شده به انجام رساند و دیوان بزرگ از سوی سلطان موظف می گردند تا بر اجرای شرط نامه نظارت کامل داشته باشد.^{۲۸} قسم دوم که بخش پایانی کتاب محسوب می شود از اهمیت



در فصل نوزدهم یک نمونه از قراردادهایی که بین پذیرنده یک منصب و سلطان بسته شده آمده است. در این «شرط نامه» پذیرنده منصب متعهد می‌شود که «مهمی که بدو مفوض باشد» (مصلح کرکیراق خاص) را براساس موادی که در شرط نامه نوشته شده به انجام رساند و دیوان بزرگ از سوی سلطان موظف می‌گردد تا بر اجرای شرط نامه نظارت کامل داشته باشد

و انتقادی و مقابل نسخ و مقدمه‌ای در هر مجلد در مسکو به چاپ رسیده است. میکروفیلم این کتاب به شماره ۴۷۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.
پی نوشت‌ها:

۱. نخجوانی، محمدبن هندوشاه: دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، مسکو، اداره انتشارات دانش، ۱۹۶۴ میلادی، جزء اول از جلد یکم،

مقدمه مصحح، ص ۱۰

۲- همان، ص ۲۴

۳- همان، ص ۲۵

۴- همان، ص ۲۶

۵- همان، ص ۶

۶- همان، صص ۶۳-۵۵

۷- همان، صص ۸۲-۶۳

۸- همان، صص ۹۰-۸۲

۹- همان، صص ۱۲۱-۱۱۰

۱۰- همان، ص ۱۲۵

۱۱- همان، ص ۱۴۰

۱۲- همان، ص ۱۴۴

۱۳- همان، ص ۱۴۹

۱۴- همان، ص ۱۶۸

۱۵- همان، ص ۱۷۵

۱۶- همان، ص ۲۳۸

۱۷- همان، صص ۳۶۰-۳۶۱

۱۸- همان کتاب، جزء دوم، صص ۱-۲

۱۹- همان، ص ۹۴

۲۰- همان، صص ۲۵۹-۲۶۰

۲۱- همان، ص ۳۷۱

۲۲- همان، ص ۳۷۲

۲۳- همان، ص ۳۹۳

۲۴- همان، ص ۴۰۹

۲۵- همان، ص ۴۴۰

۲۶- همان، صص ۴۵۳-۴۵۴

۲۷- همان، صص ۴۶۷-۴۶۸

۲۸- همان، صص ۴۸۸-۴۹۱

۲۹- همان کتاب، جلد دوم، صص ۱-۲

۳۰- همان، صص ۱۴۰-۱۴۱

آکادمی علوم اتحاد شوروی
انستیتی خاورشناسی

سلسله آثار ادبی ملل خاوری

متون سری بزرگ

ارائه نشرات، دانش

شیرازیات‌ناور

«در تفویض متصرفی ولایات مزروعی، سادات و قضا و صدور و اکابر و ارباب و اعیان و عموم اهالی و مزارعان و روسا و کدخدایان و رعایای ولایت فلان بدانند که چون اموال دیوانی و متوجهات سلطانی آنجا از بهره مزروعات و محصول مزدرعات است خواجه امین الدین را که به امانت و دیانت و کفایت و درایت موصوف و مشهور است جهت متصرفی بهره مزروعات آنجا تعیین کرده فرستاده شد تا بر سر مزارعات رفته و محصولات و ارتفاعات را در نظر آورده و بهره ده دو معهود چنانک عادت آن ولایتست استیفاء نموده محفوظ و مضبوط دارد و نگذارد که چیزی در محل تلف افتد بدان سبب این حکم نفاذ یافت تا از این تاریخ باز او را متصرف بهره مزدرعات آن ولایت دانسته دیگری را شریک و منازع نکنند و بهره ده دو به موجب عرف و عادت با او و معتمدان او جواب گویند هیچ آفریده شیلتاق احکام که در باب مفروزی و معافی و مسلمی شده باشد تمسک ننویسد و به حمایت نرود و واجب دیوانی به تمام و کمال ادا کنند و به هیچ عذر و علت موقوف ندارند.»^{۳۰}

کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده در دو جلد - جلد اول در دو جزء - با تصحیح علمی

بیشتری برخوردار است. در این «قسم» تقریباً تمامی سازمان اداری و تشکیلات حکومتی و اجتماعی جامعه ایران عصر مغول به شکلی دیده می‌شود. از نکات برجسته‌ای مثل وظایف عمال حکومتی، امور مالی و مالیات، قضاوت و اوقاف، اقطاع‌داری و واگذاری زمین گرفته تا امور جزئی مربوط به روابط اجتماعی، اقشار و طبقات جامعه که در قالب احکام بیان گردیده است.

فهرست مطالب قسم دوم از این قرار است، احکام دیوانی، تفویض اعمال به امراء مغول، وزراء، نواب دیوان سلطنت، استیفاء ممالک، الغ بیتکچی، نظارت و اشراف، حکمی و انشاء، نیابت وزارت، دفترداری، حکومت، متصرفی ولایات، قانون یاسامیشی، تعدیل، تخمین و احصاء مواشی قوبچور و استخراج، اسفہسالاری و امارت عسس، ملک التجاری، حکومت دارالضرب و معیری صاحب جمعی اموال، مناصب قلمی ولایات، کاروانسالاری، ریاست و تولیت قضایای شرعی از قاضی القضاتی ممالک، قضاء ولایات، نقیب النقبایی، حکومت اوقاف سادات و اوقاف ممالک، امارت محمل و وفدحجاج، تدریس و خطابت، احتساب، اعادت، فقاقت، شیخی خانقاه اثبات صوفی در خانقاه ساعوری بیمارستان، کتابت دارالقضاء و امینی آنجا، مورخی حجج، قبالات، عاملی زکوات، حکومت بیت‌المال، متصرفی جزیه تفویض امامت، احسان، رعایت مصلحان، تهدید و سیاست مجرمان و لوازم و لواحق آن.^{۳۱}

این «قسم» از کتاب به «دو باب» تقسیم می‌شود. باب اول در تفویض اعمال و مناصب به امراء مغول و اصحاب دیوان بزرگ و قضایای شرعی که خود به سه ضرب تقسیم می‌شود. ضرب اول در تفویض اعمال و مناصب به امراء مغول، ضرب دوم تفویض اعمال و مناصب به وزارت و اصحاب دیوان بزرگ و ضرب سوم در تفویض مناسب شرعی است. هر ضربی خود به چندین فصل تقسیم شده است. باب دوم که در احکام مختلف است نیز در دو ضرب آمده: ضرب اول در احسان و رعایت و ضرب دوم در تهدید و سیاست مجرمان، هر ضرب به چندین فصل تقسیم می‌شود که البته هر فصلی نیز نوعی از مکاتبات را نشان می‌دهد. یک نمونه از مکاتبات قسم دوم کتاب چنین است:

